

The review of pedagogical dimensions of Islamization of universities' curriculums of human sciences courses

Farhad Shafiepour Motlagh, Maryam Tadaion

1Assistant Professor, Educational Sciences department, Mahalaat branch, Islamic Azad University, Mahalaat, Iran

2Instructor, Educational Sciences department, Meimeh branch, Islamic Azad University, Meymeh, Iran

Abstract

The aim of the present study was to investigate the pedagogical dimensions of Islamization of universities' curriculums of human sciences courses. The survey methodology was descriptive. The main purpose of the study was to determine the basic components of Islamic pedagogy of universities' curriculums. The population of the study was included all of the academics and clergies of Isfahan universities in the field of education and curriculum in 2010-2011. In total, 165 subjects were recruited for the study. To ensure the validity of the used model, the followings were used: face validity (using a number of expert opinions for commenting about the appearance of the questionnaire), content validity (the use of experts viewpoints for commenting about the compliance of questionnaire with the research purposes) and structural validity (to determine the extent of questionnaire compliance with explanatory construction of the used theories). The results of this research showed that items of dimensions of Islamic pedagogy of universities' curriculums were as follows: philosophy and purposes of the model (3.453), model fundamentals (3.786), conceptual framework of the proposed model with the component values learning in the Islamic religious systems (4.348), orientation research based on Islamic resources (4.674), institutionalization of humanistic habits and behaviors (4.012), localization of curriculum theories according to the Islamic sources (3.593), competence-oriented approach (3.328), creating unity based on Islamic teachings and strengthen the spiritual soul (4.243), developing the students' thinking (4.268), developing the students' responsibilities (3.568), the steps of proposed model (4.754), evaluation system of proposed model (4.234). Finally, the proposed research model was confirmed (4.963), with $t = 2.743$ and $p < 0.001$, which was significant above average level of respondents.

Keywords: Pedagogy, Curriculum Islamization, Human science

بررسی ابعاد پداگوژیکی اسلامی کردن برنامه‌های درسی دانشگاهی در حوزه علوم انسانی

فرهاد شفیعی پور مطلق*، مریم تدین

^۱استادیار گروه علوم تربیتی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران

^۲مربی گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میمه، میمه، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین ابعاد پداگوژیکی اسلامی کردن برنامه‌های درسی دانشگاهی در حوزه علوم انسانی است. روش تحقیق، توصیفی - پیمایشی است. سؤال کلی پژوهش عبارت است از: ابعاد و مؤلفه‌های اصلی پداگوژی نظام برنامه درسی اسلامی کدامند و چه مدلی را می‌توان برای اسلامی کردن نظام برنامه‌های درسی - دانشگاهی ارائه کرد؟ جامعه آماری این پژوهش را کلیه ا حوزة و اساتید دانشگاههای اصفهان در حوزه علوم تربیتی و برنامه ریزی درسی در سال تحصیلی ۱۳۹۰ - ۱۳۸۹ تشکیل داده‌اند. در مجموع، تعداد ۱۶۵ نفر برای تحقیق انتخاب شدند. برای تأمین روایی مدل از روایی صوری (استفاده از نظرات تعدادی از متخصصان برای اظهار نظر پیرامون شکل ظاهری پرسشنامه)، روایی محتوایی (استفاده از نظرات متخصصان برای اظهار نظر درباره انطباق پرسشنامه با اهداف پژوهش)، و روایی سازه (برای تعیین میزان انطباق پرسشنامه با سازه‌های تبیینی نظریه‌های مورد استفاده)، استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و واریانس) و آمار (آزمون T تک نمونه‌ای) و نیز آزمون تحلیل عامل جهت استخراج عوامل موجود مؤلفه‌های اصلی پرسشنامه ارزیابی مدل پیشنهادی استفاده شده است. به طور کلی نتایج حاکی از آن بود که زیر مؤلفه‌های ابعاد پداگوژی اسلامی کردن برنامه‌های درسی عبارتند از فلسفه و اهداف مدل (با ارزش ویژه ۳/۴۵۳)، مبانی نظر مدل (با ارزش ویژه ۲/۷۸۶)، چارچوب ادراکی مدل پیشنهادی با زیر مؤلفه‌های ارزش‌های یادگیری در نظام دینی - اسلامی (ارزش ویژه ۴/۳۴۸)، پژوهش محوری بر اساس منابع اسلامی (ارزش ویژه ۴/۶۷۴)، نهادینه سازی عادات و رفتارهای انسان گرایانه (ارزش ویژه ۴/۰۱۲)، بومی سازی تئوری‌های برنامه‌های درسی بر اساس منابع اسلامی (ارزش ویژه ۳/۵۹۳)، رویکرد صلاحیت مداری (ارزش ویژه ۳/۳۲۸)، ایجاد وحدت بر اساس تعالیم اسلامی، تقویت روح معنوی (ارزش ویژه ۴/۲۴۳)، تقویت قوه تفکر و تعقل فراگیران (ارزش ویژه ۴/۲۶۸)، توسعه مسؤلیت پذیری فراگیران (ارزش ویژه ۳/۵۶۸)، مراحل اجرایی مدل پیشنهادی (ارزش ویژه ۴/۷۵۴)، نظام ارزشیابی از مدل پیشنهادی (ارزش ویژه ۴/۲۳۴). در نهایت مدل پیشنهادی پژوهش با (ارزش ویژه ۴/۹۶۳)، مقدار $t = ۲/۷۴۳$ و سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است و مورد تأیید بالاتر از سطح متوسط از نظر پاسخ‌گویان قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: پداگوژی، اسلامی کردن برنامه‌های درسی، علوم انسانی

مقدمه

آنچه که در حوزه نظام برنامه‌ریزی درسی باید به آن توجه داشت این است که برنامه‌های درسی تا چه حد می‌توانند در راستای اهداف عالی مرتبه در سطوح مختلف ملی، دینی، فردی و اجتماعی فراگیران را رشد داده (دیوس، ۱۹۹۷) و تا حد بالای تربیت اسلامی حرکت دهند. هنگامی که نظام برنامه‌ریزی دارای جهت دینی و اسلامی باشد یا به عبارتی بهتر، بر پایه الهیات و متافیزیک پایه گذاری شود و نه صرفاً بر اساس طبیعت و نظام ماده‌گرایی، در چنین حالتی رشد همه جانبه فراگیران فراهم شده، تربیت اسلامی مهیا می‌شود. منظور از تربیت اسلامی، تثبیت توحید حضوری از طریق نگرش آیه‌ای به جهان هستی است (شمشیری، ۱۳۸۳).

تربیت اسلامی می‌کوشد تلاش تا مرزهای علوم فیزیکی و متافیزیکی را نه از نظر روش‌های پژوهش یا ساختار مفهومی، بلکه از نظر وحدت موضوعی از میان بردارد و آمیختگی همه دانش‌های حضوری و حصولی را به گونه مؤثر به دیگران انتقال دهد. اگر چه به کارگیری برنامه‌های رشته‌ای و موضوع محور برای پیشرفت تربیت اسلامی ضروری است (چلپی، ۱۳۷۵) ولی برنامه درسی اسلامی، راهبردی اساسی برای توسعه نگرش آیه‌ای به شمار می‌رود و بستر مناسبی است تا برنامه‌های درسی متعدد با درجات گوناگونی از تلفیق بنا به ویژگی‌ها و شرایط خاص از طریق آن ارائه شود (علم الهدی، ۱۳۸۱). مشکل اساسی برنامه‌های درسی دانشگاهی - به ویژه در حوزه علوم انسانی - این است که از بعد الهیات و مسائل عرفانی فاصله گرفته است و تلاش می‌کند که به فهم مسائل و پدیده‌های مورد بحث در حوزه علوم انسانی صرفاً از دیدگاه محیطی، اقتصادی، اجتماعی و ... (مقدس فرد، ۱۳۸۵) و همچنین نظریات و تئوری‌هایی که نتیجه تفکرات غربی و غیر بومی است، اقدام کند و بر اساس مدل‌هایی که ترجمان متون غربی است، به بررسی و مطالعه پدیده‌های مختلف مورد بحث بپردازد. تحلیل اهداف و ساختار برنامه موجود پیرامون اسلامی کردن برنامه‌های درسی از اهمیت خاصی برخوردار است. مقصود از ساختار و محتوای دروس، برنامه آموزشی و متون درسی است. غلامعلی افروز (۱۳۸۵) معتقد است که

بدون تردید چگونگی نگرش‌های فرهنگی نسبت به علوم انسانی نقش به‌سزایی در منزلت و جایگاه آن در جامعه ایر ان اسلامی داشته است. نگاه تحلیلی به تاریخ فرهنگ و تمدن ایران اسلامی بیانگر این حقیقت است که همواره تولید اندیشه‌های پویا و پردازش نظریه‌های نوین و پرچالش به دست اندیشمندان هوشمند و صاحبان تفکر واگرا در حوزه علوم انسانی بوده است. جمشیدی (۱۳۸۵) می‌نویسد که ارزشمندی واقعی دانش را رسالت آن - به ویژه در حوزه علوم انسانی تعیین می‌کند؛ درحالی که علوم انسانی، عصر مدرن و دوران جدید خود را بدون رسالت قلمداد می‌کنند. (شوماکر، ۱۹۹۱)، لذا با از دست دادن ابعاد انسانی خویش یا تبدیل به سرگرمی‌های دانشگاهی شده یا به صورت ایدئولوژی‌های فریبنده در خدمت زر و زور و تزویر و مادیات در آمده است. علوم انسانی در حیطه موضوعی خود، فهم معمای انسان، تشخیص مسائل و ارائه طرحی برای رفع گرفتاری او را بر عهده دارد (باقری، ۱۳۸۵). هدف عالی در جامعه اسلامی ما، مستلزم همکاری جدی ارکان فرهنگی نظام برای ایجاد وحدت فرهنگی، سپس جامعه فرهنگی دینی به معنای حقیقی آن است و این امر ریشه در علوم انسانی دارد (حسینی، ۱۳۸۵). شریف زاده (۱۳۸۵) و هاشمی مقدم (۱۳۸۵) معتقدند که بررسی وضعیت فعلی شیوه‌های سازماندهی مواد و محتوای درسی رشته‌های علوم انسانی در نظام آموزشی ما نشان دهنده این واقعیت است که به رغم نقش و اهمیت و کاربرد رشته‌های مختلف علمی در قلمرو وسیع علوم انسانی، نحوه سازماندهی و شیوه‌های عرضه مواد و محتوای درسی در رشته‌های مزبور، موقعیت و جایگاه علمی مناسبی ندارد و روش‌های رایج در سازماندهی این مواد درسی، کارآیی رشته‌های علوم انسانی را در مقایسه با سایر رشته‌های علمی با تردید و انتقاد مواجه ساخته است. این مسأله به طور مستقیم به سازمان برنامه درسی و شیوه‌های سازماندهی مواد درسی و روش‌های عرضه مطالب درسی مربوط است.

شکاری (۱۳۸۵) طی پژوهشی تحت عنوان «آسیب شناسی نوستالوژیک علوم انسانی: رویکرد سخت افزاری و نرم افزاری» می‌نویسد که تجزیه و تحلیل مسائل علوم انسانی، یکی از مباحث معرفت‌شناختی حوزه پژوهش

طی پژوهشی تحت عنوان «آسیب شناسی در حوزه علوم انسانی از منظر عدم تطابق محتوا و ساختار با پارادایم‌ها» می‌نویسد که رویکرد آسیب شناسانه به مبانی علوم انسانی از منظر شناخت هندسه معرفتی پارادایم‌ها و سلول‌های بنیادین تفکر دینی نشان می‌دهد که بی‌توجهی به اصالت و اهمیت پارادایم‌ها در ۴ حوزه مبانی، ادبیات، روش‌ها و تلاش‌های علمی سبب بروز آفات و استیلاهای آسیب‌هایی در این حوزه شده است. سلسبیلی (۱۳۷۵) در پژوهشی با عنوان «ارائه الگوی راهنما برای کاربرد دیدگاه‌های برنامه درسی در نظام برنامه ریزی درسی کشور (دوره نظام جدید متوسطه)»، پس از بررسی و توصیف نظریه‌های گوناگون برنامه درسی، الگویی برای برنامه درسی ارائه می‌دهد که شامل الگوی تلفیقی است که هدف آن حرکت از انسان کارآمد، انسان متفکر به سوی انسان کامل است. بر اساس الگوی پیشنهادی، انسان کامل دارای کارکردهایی به این قرار است: معتقد به خودشکوفایی و گذشتن از مراحل پایین نفسانی و رسیدن به انسان کامل، معتقد به اصلاح جامعه و اعتلای فرهنگ جامعه، علاقمند به حل مسائل از طریق روش‌های عقلایی و شهودی، اعتقاد عمیق به وصول به حق، توجه به شهود و وحی الهی.

از این رو، سؤال کلی پژوهش حاضر این است که ابعاد و مؤلفه‌های اصلی پداگوژی نظام برنامه درسی اسلامی کدامند و چه مدلی را می‌توان برای اسلامی کردن نظام برنامه‌های درسی - دانشگاهی ارائه کرد؟

اهداف اصلی پژوهش

- تعیین ابعاد و مؤلفه‌های اصلی پداگوژی اسلامی

کردن برنامه‌های درسی

- ارائه مدلی برای اسلامی کردن نظام برنامه‌های درسی

- تعیین میزان تناسب مدل پیشنهادی از دیدگاه

استادان و متخصصان علوم دینی و رشته برنامه ریزی درسی

سؤال کلی پژوهش

مؤلفه‌های مدل پداگوژی اسلامی کردن برنامه‌های

درسی چیست؟

سؤالات اصلی پژوهش

- ابعاد و مؤلفه‌های اصلی پداگوژی اسلامی کردن

برنامه‌های درسی کدامند؟

ساختاری فلسفه علم است که ارتباط علم را با فلسفه، هنر و صنعت و فناوری به نقد می‌کشد. همچنین شناخت مبادی، مفاهیم، مفروضات، خاستگاه و آموزه‌های هر یک از علوم نیاز به فهم هرمنیوتیکی نقاد دارد تا حدود و ثغور عرصه فعالیت‌های اجرایی، آموزشی و پژوهشی علوم انسانی به طور عام و حوزه‌های تخصصی به طور خاص، مشخص گردد. این مهم وقتی ممکن می‌شود که علاوه بر تعیین حد و مرز جنبه عام و خاص فعالیت‌های پژوهشی علوم انسانی، قلمرو و حوزه‌های تخصصی علوم میان رشته‌ای در هزاره سوم نیز تبیین گردد. میرفردی (۱۳۸۵) طی پژوهشی با عنوان «آسیب شناسی و واکاوی نقش علوم انسانی در توسعه همه جانبه کشور» بر این باور است که توسعه، پدیده‌ای چندبعدی است (تودارو، ۱۳۶۷). به عبارت دیگر، توسعه تنها اقتصادی نیست، بلکه متأثر از نظام فرهنگی و به ویژه ساخت نگرشی و ارزشی یک جامعه و افراد تشکیل دهنده آن است (گروندونا، ۲۰۰۰). صادق زاده قمصری (۱۳۸۵)، در پژوهشی تحت عنوان «گامی به سوی تحول در الگوی تولید علوم تربیتی: بررسی انتقادی الگوی تبیین معرفتی با تعالیم دینی» می‌نویسد که مهمترین مبانی فلسفی و کلامی این پارادایم شناسایی شده‌اند که عبارتند از: اومانیزم معرفتی، اثبات گرایی، کثرت گرایی تبیینی. امانیان (۱۳۸۵)، در پژوهشی با عنوان «نقش نهادهای کشور در ارتقای علوم انسانی دانشگاه‌ها و حوزه‌ها» می‌گوید که راهکارهای عملی برای ارتقای علوم انسانی توسط دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و مؤسسات آموزشی - پژوهشی عبارتند از: ۱ - بومی سازی نظریه‌های علمی علوم انسانی در دانشگاه‌ها، ۲ - کاربردی کردن پژوهش‌های علوم انسانی، ۳ - به روز کردن آموزش‌های علوم انسانی، ۴ - استفاده از استادان مجرب حوزه برای برخی از دروس علوم انسانی در دانشگاه‌ها و بالعکس، ۵ - رشد روحیه خلاقیت، ابتکار و نوآوری به همراه پرهیز از خودباختگی علمی در برابر تئوری‌های غربی، ۶ - آزمایش گزاره‌های علمی علوم انسانی در بستر فرهنگی ملی و جرح و تعدیل آنها، ۷ - ایجاد نهادی در دانشگاه‌ها برای نقد نظریه‌های وارداتی در حوزه علوم انسانی، ۸ - رفع تبعیضات قائل شده در دانشگاه‌ها میان شاخه‌های مختلف علوم. مستقیمی و نادری نژاد (۱۳۸۵)

می‌رود. از آزمون‌های دیگری چون آزمون T تک نمونه‌ای برای هر کدام از زیر مؤلفه‌های مدل پیشنهادی، آزمون T گروه‌های مستقل برای مقایسه پاسخ‌گویان بر حسب جنسیت، استاد حوزه یا دانشگاه بودن، استفاده به عمل می‌آید.

متغیر اصلی پژوهش عبارت است از: ابعاد پداگوژی اسلامی برنامه‌های درسی.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول: ابعاد و مؤلفه‌های اصلی پداگوژی اسلامی کردن برنامه‌های درسی کدامند؟

با مطالعه نظریات، تئوری‌ها و نیز تحقیقات انجام شده پیرامون اسلامی کردن برنامه‌های درسی زیر مؤلفه پداگوژی استخراج شد. از ۷۸ مؤلفه و ریز مؤلفه پداگوژیک مستخرج از ادبیات تحقیق (چارچوب ادراکی)، بعد از نظر خواهی صاحب نظران و متخصصان حوزه و دانشگاه در حوزه علوم تربیتی و برنامه ریزی درسی، تعداد ۵۳ مورد تأیید و بقیه به دلایلی از جمله همپوشی مؤلفه‌ها و در نتیجه ادغام آنها در یکدیگر و عدم ارتباط آنها با ابعاد پداگوژیک اسلامی کردن برنامه‌های درسی حذف شدند. ۵۳ مورد تأیید شده از دیدگاه صاحب نظران و استادان که در ۶ بعد (مؤلفه) اصلی طبقه بندی شدند، چارچوب ادراکی مدل پیشنهادی اولیه را تشکیل دادند: اصول پداگوژی اسلامی کردن برنامه‌های درسی، اکولوژی پداگوژی اسلامی کردن برنامه‌های درسی، رویکردهای اسلامی کردن برنامه‌های درسی، روش‌های اسلامی کردن برنامه‌های درسی، نقش‌ها و صلاحیت‌های معلمان (استادان) پیرامون اسلامی کردن برنامه‌های درسی، ارزشیابی از نحوه اسلامی کردن برنامه‌های درسی.

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشخص است، زیرمؤلفه‌های اول (۰/۴۲۳)، دوم (۰/۴۷۵)، سوم (۰/۵۳۸)، چهارم (۰/۴۸۴)، پنجم (۰/۵۰۷)، ششم (۰/۴۷۶)، هفتم (۰/۵۳۷)، بیشترین اشتراک را در مورد فلسفه و اهداف مدل پیشنهادی داشته‌اند.

- چه مدلی را می‌توان برای اسلامی کردن نظام برنامه‌های درسی - دانشگاهی ارائه کرد؟

- میزان تناسب مدل پیشنهادی از دیدگاه استادان و متخصصان علوم دینی و رشته برنامه ریزی درسی چگونه است؟

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی است و از مطالعه کتابخانه‌ای (چاپی و الکترونیکی) جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از یک پرسشنامه محقق ساخته بهره گرفته است. در واقع، مؤلفه‌ها و گویه‌های پرسشنامه با مرور سوابق تحقیقاتی و همچنین نظریات موجود پیرامون اسلامی کردن برنامه‌های درسی دانشگاهی، استخراج می‌شوند. این مدل دارای اجزایی بدین قرار است: فلسفه و اهداف مدل، مبانی نظری، چارچوب ادراکی، مراحل اجرایی و نظام ارزشیابی از مدل.

برای تأمین روایی مدل از روایی صوری (استفاده از نظرات تعدادی از متخصصان برای اظهار نظر پیرامون شکل ظاهری پرسشنامه)، روایی محتوایی (استفاده از نظرات متخصصان برای اظهار نظر در مورد انطباق پرسشنامه با اهداف تحقیق)، و روایی سازه (برای تعیین میزان انطباق پرسشنامه با سازه‌های تبیینی نظریه‌های مورد استفاده)، استفاده شده است. از این رو تحلیل عوامل برای میزان تناسب گویه‌های پرسشنامه به کار رفته است.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه استادان حوزه و اساتید دانشگاه‌های اصفهان در حوزه علوم تربیتی و برنامه ریزی درسی در سال تحصیلی ۱۳۹۰ - ۱۳۸۹ تشکیل داده‌اند. تعداد ۱۰۰ نفر از استادان حوزه به روش تصادفی برای پژوهش انتخاب شده‌اند. همچنین به دلیل محدودیت جامعه آماری، کلیه اساتید رشته‌های علوم تربیتی و رشته برنامه‌ریزی درسی، به عنوان نمونه تحقیق، انتخاب می‌شوند. در کل، تعداد ۱۶۵ نفر برای تحقیق انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

آزمون تحلیل عامل جهت استخراج عوامل موجود مؤلفه‌های اصلی پرسشنامه ارزشیابی مدل پیشنهادی به کار

جدول ۱ - تحلیل عوامل فلسفه و اهداف مدل

ردیف	زیرمؤلفه	اندازه KMO	آزمون قابلیت	مقدار اشتراک	بارعاملی	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده
۱	بازاندیشی پیرامون مؤلفه‌های برنامه‌های درسی اسلامی			۰/۴۲۳	۰/۵۸۷		
۲	دسترسی به یک مدل پداگوژیکی پیرامون اسلامی سازی برنامه‌های درسی			۰/۴۷۵	۰/۵۸۵		
۳	تعیین ابعاد برنامه‌های درسی جهت انطباق سازی آنها با مکانیزم‌های تربیت دینی			۰/۵۳۸	۰/۶۰۴		
۴	شناسایی الزامات پداگوژیکی برنامه‌های درسی اسلامی			۰/۴۸۴	۰/۶۸۶		
۵	بهبود هر چه بیشتر برنامه‌های درسی بر اساس معیارهای تربیت دینی - اسلامی	۰/۷۳۶	۲۷۳/۸۴۶	۰/۵۰۷	۰/۷۱۲	۴/۸۴۷	۴۲/۵۸۴
۶	توجه به آموزه‌های عملی تربیت دینی			۰/۴۷۶	۰/۶۷۳		
۷	ارائه چارچوبی هر چند جامع جهت اسلامی سازی برنامه‌های درسی			۰/۵۳۷	۰/۷۲۴		

جدول ۲ - اشتراکات زیرمؤلفه‌های مبانی نظری مدل پیشنهادی در تحلیل عوامل

ردیف	زیر مؤلفه‌ها	اندازه KMO	آزمون بارتلت	مقدار اشتراک	بار عاملی	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده
۱	رویکرد متافیزیکی به برنامه‌های درسی			۰/۶۳۳	۰/۶۵۶		
۲	رویکرد انسان گرایانه با تکیه بر ارزش‌های اسلامی - دینی			۰/۵۱۵	۰/۶۴۵		
۳	رویکرد موضوع مداری اسلامی - دینی			۰/۴۲۱	۰/۵۳۳		
۴	تقویت عملی ارزش‌های اخلاقی			۰/۴۸۴	۰/۵۹۷		
۵	رویکرد عقل مداری در برنامه‌های درسی	۰/۷۳۶	۲۴۸/۸۴۶	۰/۴۳۱	۰/۶۲۹	۴/۶۴۷	۴۲/۵۸۴
۶	رویکرد انتقال میراث فرهنگی			۰/۴۷۶	۰/۶۴۸		
۷	پرورش شهروندان آگاه مطابق با ارزش‌های اسلامی - دینی			۰/۵۳۷	۰/۶۱۷		
۸	متبلور شدن همه ارزش‌های والای قرآنی در رفتارهای فردی و اجتماعی انسان			۰/۵۴۸	۰/۶۶۲		

راکات زیرمؤلفه‌هایی که در جدول شماره ۲ آمده است، توان دوم بار عاملی هر زیر مؤلفه در عامل مشترک (مبانی نظری مدل پیشنهادی) است.

برای محاسبه اشتراک هر زیر مؤلفه مجذور بارهای عاملی هر زیر مؤلفه بر روی عامل استخراج شده (مبانی نظری مدل پیشنهادی) به صورت ردیفی با یکدیگر جمع می‌شوند. این حاصل جمع نسبتی از واریانس مربوط به هر زیرمؤلفه است که به وسیله عوامل استخراج تبیین می‌شود. همان طور که در این جدول مشاهده می‌شود، اشتراکات زیر مؤلفه‌های هشتگانه مبانی نظری مدل پیشنهادی بین رویکرد موضوع مداری اسلامی - دینی (۰/۴۲۱) و متبلور شدن همه ارزش‌های والای قرآنی در رفتارهای فردی و اجتماعی انسان (۰/۵۴۸) در نوسان است.

سؤال دوم: چه مدلی را می‌توان برای اسلامی کردن نظام برنامه‌های درسی - دانشگاهی ارائه کرد؟

با مطالعه نظریات، تئوری‌ها و نیز تحقیقات انجام شده پیرامون اسلامی کردن برنامه‌های درسی زیر مؤلفه پداگوژی استخراج شد. از ۷۸ مؤلفه و زیر مؤلفه پداگوژیک مستخرج از ادبیات تحقیق (چارچوب ادراکی)، پس از نظر خواهی صاحب نظران و متخصصان حوزه و دانشگاه در حوزه علوم تربیتی و برنامه ریزی درسی، تعداد ۵۳ مورد تأیید و بقیه به دلایلی از جمله همپوشی مؤلفه‌ها و در نتیجه ادغام آنها در یکدیگر و عدم ارتباط آنها با ابعاد پداگوژیک اسلامی کردن برنامه‌های درسی حذف شدند.

اشتراکات زیر مؤلفه‌های جدول شماره ۳، بیانگر مجذور (توان دوم) بار عاملی هر زیر مؤلفه در عامل مشترک (یعنی چارچوب ادراکی مدل پیشنهادی) است. برای محاسبه اشتراک هر زیر مؤلفه مجذور بارهای عاملی هر زیر مؤلفه بر روی عوامل استخراج شده به صورت ردیفی با یکدیگر جمع می‌شوند. این حاصل جمع نسبتی از واریانس هر زیر مؤلفه است که به وسیله عوامل استخراج شده تبیین می‌شود. بنابراین هر چه میزان اشتراک یک زیر مؤلفه بالاتر باشد، مجموعه عامل‌های خاصی که واریانس زیر مؤلفه را تبیین می‌کنند، بیشتر خواهد بود. بر اساس جدول، زیر مؤلفه‌های دوم (۰/۷۱۲)، هفتم (۰/۸۱۱)، هشتم (۰/۸۱۰)، دهم (۰/۷۹۱)، یازدهم (۰/۸۱۴)، بیستم (۰/۸۴۵)، سی و

چهارم (۰/۷۶۴)، چهل و پنجم (۰/۷۷۵)، چهل و هفتم (۰/۸۱۴)، پنجاه و سوم (۰/۷۹۴) بیشترین مقدار اشتراک را دارند و زیر مؤلفه‌های بیست و پنجم (۰/۵۸۹)، بیست و هفتم (۰/۵۶۵)، بیست و نهم (۰/۵۲۷)، سی ام (۰/۵۷۳)، چهل و دوم (۰/۵۹۲)، چهل و سوم (۰/۵۷۸)، دارای کمترین مقدار اشتراک با عامل مشترک چارچوب ادراکی مدل پیشنهادی هستند.

۵۳ مورد تأیید شده از دیدگاه صاحب نظران و استادان که در ۶ بعد (مؤلفه) اصلی طبقه بندی شدند، چارچوب ادراکی مدل پیشنهادی اولیه را تشکیل دادند: اصول پداگوژی اسلامی کردن برنامه‌های درسی، اکولوژی پداگوژی اسلامی کردن برنامه‌های درسی، رویکردهای اسلامی کردن برنامه‌های درسی، روش‌های اسلامی کردن برنامه‌های درسی، نقش‌ها و صلاحیت‌های معلمان (استادان) پیرامون اسلامی کردن برنامه‌های درسی، ارزشیابی از نحوه اسلامی کردن برنامه‌های درسی. مدل پیشنهادی اولیه پژوهش در شکل شماره ۱ آمده است.

سؤال سوم: میزان تناسب مدل پیشنهادی از دیدگاه استادان و متخصصان علوم دینی و رشته برنامه ریزی درسی چگونه است؟

پس از آزمون مدل اولیه پیشنهادی پژوهش، در نهایت، در بخش ادراکی، مؤلفه‌ها بر حسب زیرمؤلفه‌ها چنین نام گذاری شدند: ارزش‌های یادگیری در نظام دینی - اسلامی، پژوهش محوری بر اساس منابع اسلامی، نهادینه سازی عادات و رفتارهای انسان گرایانه، بومی سازی تئوری‌های برنامه‌های درسی بر اساس منابع اسلامی، رویکرد صلاحیت مداری، ایجاد وحدت بر اساس تعالیم اسلامی، تقویت روح معنوی، تقویت قوه تفکر و تعقل فراگیران، توسعه مسؤولیت پذیری فراگیران. چنان که در جدول شماره ۴ آمده است، به طور کلی مدل نهایی پژوهش در سطح مطلوبی برای اسلامی کردن برنامه‌های درسی، متناسب است.

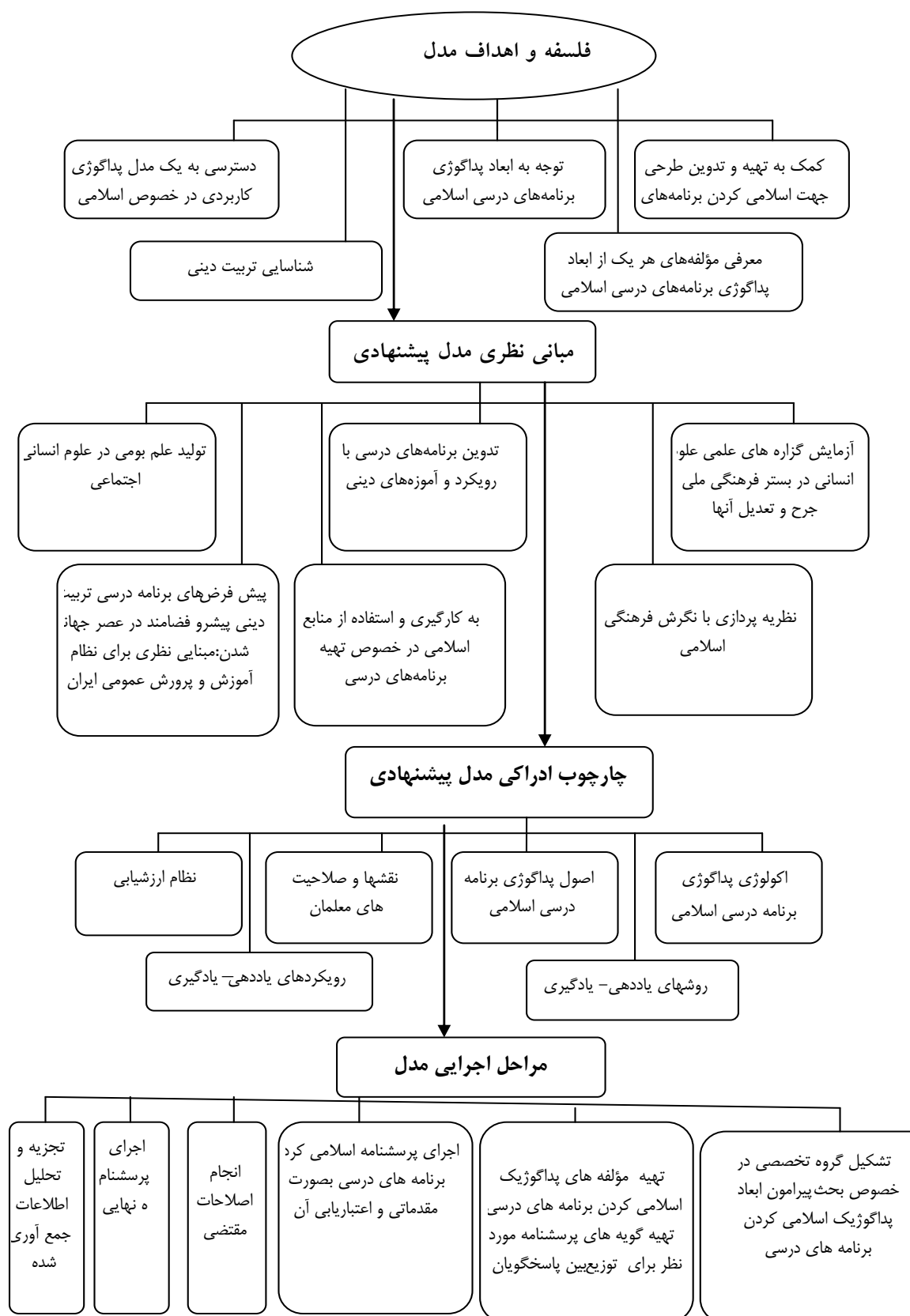
بر اساس جدول شماره ۴، میانگین همه مؤلفه‌های مورد ارزیابی مدل پیشنهادی پژوهش از میانگین نظرات (عدد ۳) بیشتر و در سطح $P < 0/001$ معنادار است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که تناسب هر یک از مؤلفه‌ها برای مدل بالاتر از سطح متوسط بوده است.

جدول ۳ - اشتراکات زیرمؤلفه‌های چارچوب ادراکی مدل پیشنهادی در تحلیل عوامل مرتبه اول

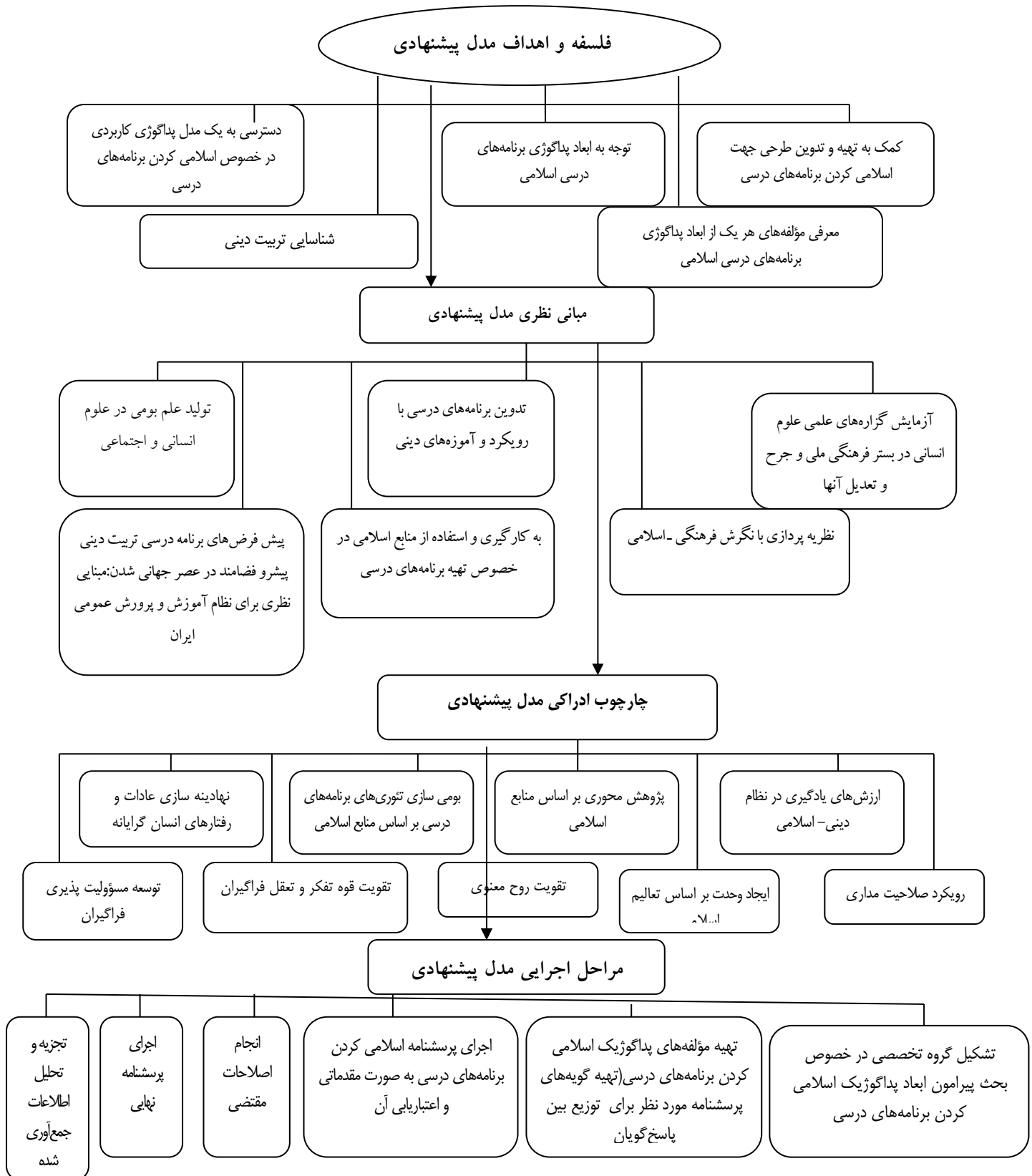
ردیف	شرح زیر مؤلفه	اشتراک
۱	تأکید بر اخلاق و رشد آن در فرایند یاددهی - یادگیری	۰/۶۷۱
۲	استفاده از قوانین الهی در جریانات یاددهی - یادگیری	۰/۷۱۲
۳	شناخت دین و به دست آوردن معرفت نسبت به تعالیم دینی	۰/۶۱۸
۴	توجه به عادات مذهبی - دینی	۰/۵۹۹
۵	وضوح یافتن اهداف نظام برنامه ریزی درسی منطبق با ارزش‌های دینی - مذهبی	۰/۶۰۳
۶	وضوح یافتن مفاهیم پداگوژی اسلامی	۰/۷۳۹
۷	معادل سازی تئوری‌ها و نظریات و اصطلاحات علمی غربی بر اساس نظریات دانشمندان اسلامی	۰/۸۱۱
۸	تلفیق محتوای علمی با ارزش‌های مذهبی	۰/۷۸۲
۹	توسعه هوش الهی و معنوی در انسان	۰/۸۱۰
۱۰	عبادت بیشتر خداوند	۰/۷۹۱
۱۱	مهرورزی به آنچه که در آیات الهی سفارش به آن شده است	۰/۸۱۴
۱۲	صداقت	۰/۶۸۲
۱۳	شجاعت	۰/۶۱۶
۱۴	احترام به حقوق دیگران	۰/۶۹۴
۱۵	مسئولیت پذیری	۰/۶۲۳
۱۶	آخرت گرایی	۰/۶۶۴
۱۷	افزایش ایمان انسان به خدا	۰/۶۸۳
۱۸	افزایش خوف و رجا در انسان نسبت به خدا	۰/۶۹۷
۱۹	به فلاح رسیدن انسان (نهایت رشد و کمال انسانی)	۰/۸۱۶
۲۰	دست یافتن و تقرب به حق تعالی	۰/۸۴۵
۲۱	متبلور شدن همه ارزش‌های والای قرآنی در رفتارهای فردی و اجتماعی انسان	۰/۸۵۳
۲۲	تقویت عملی ارزش‌های اخلاقی	۰/۷۸۷
۲۳	ایجاد وحدت بر اساس تعالیم اسلامی	۰/۶۵۲
۲۴	پرورش شهروندان آگاه مطابق با ارزش‌های اسلامی - دینی	۰/۷۳۶
۲۵	پرورش استعدادها و فراگیران به عنوان شهروند مسلمان	۰/۵۸۹
۲۶	برقراری روابط استاد و دانشجو بر اساس ارزش‌های دینی - اسلامی	۰/۵۹۳
۲۷	دوری از ملاحظات خطی، جناحی و گروهی و ایجاد وحدت بر اساس ارزش‌های اسلامی	۰/۵۶۵
۲۸	تقویت روح استقلال علمی بر اساس ارزش‌های اسلامی	۰/۶۱۱
۲۹	جهت دهی تحقیقات علمی به سوی مسائل، معضلات و نیازهای جامعه خودی (اسلامی)	۰/۵۲۷

۰/۵۷۳	تقویت تفکر انتقادی فراگیران بر اساس روح دینی	۳۰
۰/۶۱۲	رویکرد متافیزیکی به برنامه‌های درسی	۳۱
۰/۶۳۹	رویکرد تلفیقی با جهت‌گیری اجتماعی	۳۲
۰/۷۰۲	رویکرد انسان‌گرایانه با تکیه بر ارزش‌های اسلامی - دینی	۳۳
۰/۷۶۴	رویکرد معنویت‌گرایی	۳۴
۰/۶۴۸	رویکرد انتقال میراث فرهنگی	۳۵
۰/۶۲۳	رویکرد موضوع‌مداری اسلامی - دینی	۳۶
۰/۵۸۸	رویکرد صلاحیت‌مداری	۳۷
۰/۶۱۷	رویکرد اخلاق‌مداری برنامه درسی	۳۸
۰/۶۴۸	رویکرد عقل‌مداری در برنامه‌های درسی	۳۹
۰/۶۸۵	روش‌های استفاده از عطف و مهربانی در فرایند یاددهی - یادگیری	۴۰
۰/۶۲۸	روش‌های استفاده از مطالعات بنیادی و میدانی در مبانی و فلسفه اسلامی	۴۱
۰/۵۹۲	روش‌های افزایش قوه درک و تجزیه و تحلیل فراگیران	۴۲
۰/۵۷۸	روش‌های دوری از شیوه‌های تحمیلی و تنبیهی	۴۳
۰/۷۶۲	روش‌های استفاده از شور و نشاط علمی - اسلامی	۴۴
۰/۷۷۵	روش‌های تقویت روح استقلال علمی	۴۵
۰/۶۸۴	روش‌های تقویت روحیه کاوشگری	۴۶
۰/۸۱۴	روش‌های استخراج آرای اسلامی از قرآن	۴۷
۰/۷۳۸	روش‌های به‌کارگیری پرسش و پاسخ در فرایند یاددهی - یادگیری	۴۸
۰/۷۴۸	ارزشیابی از نحوه شکل‌گیری شخصیت فراگیران بر اساس ارزش‌ها و باورداشت‌های دینی - اسلامی	۴۹
۰/۷۰۱	ارزشیابی هدف‌های ارزشی - دینی به لحاظ یاددهی - یادگیری	۵۰
۰/۶۸۹	ارزشیابی آموزه‌های علمی به لحاظ یاددهی - یادگیری بر اساس ارزش‌های دینی - اسلامی	۵۱
۰/۶۳۸	ارزشیابی فرصت‌ها و امکانات موجود برای اسلامی کردن برنامه‌های درسی	۵۲
۰/۷۹۴	ارزشیابی فرایندهای یاددهی - یادگیری مؤثر پیرامون اسلامی کردن برنامه‌های درسی	۵۳

شکل ۱ - مدل پیشنهادی اولیه



شکل ۲ - مدل ارزیابی شده نهایی



جدول ۴ - نتایج آزمون T تک متغیره برای ارزیابی مؤلفه‌های مدل پیشنهادی پیرامون اسلامی کردن برنامه‌های درسی

مؤلفه‌ها	شاخص‌های توصیفی	مقدار t	درجه آزادی	معناداری	تفاوت میانگین
فلسفه و اهداف مدل پیشنهادی		۱۴/۵۳۶	۱۶۴	۰/۰۰۰	۰/۴۵۳
مبانی نظری مدل پیشنهادی		۳۲/۶۴۳	۱۶۴	۰/۰۰۰	۰/۷۸۶
چارچوب ادراکی مدل پیشنهادی پژوهش	ارزش‌های یادگیری در نظام دینی - اسلامی	۲۸/۱۲۶	۱۶۴	۰/۰۰۰	۱/۳۴۸
	پژوهش محوری بر اساس منابع اسلامی	۲۵/۹۴۲	۱۶۴	۰/۰۰۰	۱/۶۷۴
	بومی سازی تئوری‌های برنامه‌های درسی بر اساس منابع اسلامی	۱۲/۳۹۱	۱۶۴	۰/۰۰۰	۰/۵۹۳
	نهادینه سازی عادات و رفتارهای انسان گرایانه	۲۲/۶۵۷	۱۶۴	۰/۰۰۰	۱/۰۱۲
	رویکرد صلاحیت مداری	۱۷/۸۴۲	۱۶۴	۰/۰۰۰	۰/۳۲۱
	ایجاد وحدت بر اساس تعالیم اسلامی	۳۱/۷۴۲	۱۶۴	۰/۰۰۰	۱/۵۷۸
	تقویت روح معنوی	۲۹/۵۶۸	۱۶۴	۰/۰۰۰	۱/۲۴۳
	تقویت قوه تفکر و تعقل فراگیران	۱۹/۳۴۶	۱۶۴	۰/۰۰۰	۱/۲۶۸
	توسعه مسؤولیت پذیری فراگیران	۲۳/۶۷۵	۱۶۴	۰/۰۰۰	۰/۵۶۸
مراحل اجرایی مدل پیشنهادی		۱۸/۷۳۴	۱۶۴	۰/۰۰۰	۱/۷۵۴
نظام ارزشیابی از مدل پیشنهادی		۲۷/۶۷۷	۱۶۴	۰/۰۰۰	۱/۲۳۴
شمای کلی مدل		۲۰/۷۴۳	۱۶۴	۰/۰۰۰	۱/۹۶۳

بحث و نتیجه‌گیری

با مطالعات نظریات مختلف ابعاد کلی مدل پداگوژی اسلامی کردن برنامه‌های درسی مشتمل بر فلسفه و اهداف مدل، مبانی نظری مدل، چارچوب ادراکی مدل، مراحل اجرایی مدل و سرانجام نظام ارزشیابی مدل مورد بررسی قرار گرفت.

بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش، این مؤلفه‌ها چارچوب ادراکی مدل پیشنهادی اولیه را تشکیل دادند: اصول پداگوژی اسلامی کردن برنامه‌های درسی، اکولوژی پداگوژی اسلامی کردن برنامه‌های درسی، رویکردهای اسلامی کردن برنامه‌های درسی، نقش‌ها و شایستگی‌های معلمان (استادان) پیرامون اسلامی کردن برنامه‌های درسی، ارزشیابی از نحوه اسلامی کردن برنامه‌های درسی. پس از آزمون مدل و تجزیه و تحلیل آنها، ۱۰ مؤلفه چارچوب ادراکی مدل پژوهش را تشکیل دادند که بدین قرارند:

ارزش‌های یادگیری در نظام دینی - اسلامی، پژوهش محوری بر اساس منابع اسلامی، نهادینه سازی عادات و رفتارهای انسان گرایانه، بومی سازی تئوری‌های برنامه‌های درسی بر اساس منابع اسلامی، نهادینه سازی عادات و رفتارهای انسان گرایانه، رویکرد صلاحیت مداری، ایجاد

وحدت بر اساس تعالیم اسلامی، تقویت روح معنوی، تقویت قوه تفکر و تعقل فراگیران، توسعه مسؤولیت پذیری فراگیران. داده‌های به دست آمده از پژوهش نشان داد که با توجه به این که میانگین نمره نظرات پاسخ‌گویان در خصوص هر یک از مؤلفه‌های مورد مطالعه از مقدار متوسط (عدد ۳) بیشتر است، لذا مدل پیشنهادی پژوهش از تناسب مطلوبی برخوردار است. نتایج پژوهش مستقیمی و نادری نژاد (۱۳۸۵) نمایان ساخت که بی توجهی به اصالت و اهمیت پارادایم‌ها در ۴ حوزه مبانی، ادبیات، روش‌ها و تلاش‌های علمی سبب بروز آفات و استیلاهای آسیب‌هایی در

این حوزه شده است و در صورتی که به آنها توجه شود، الگوی متناسب‌تری از برنامه‌های درسی را می‌توان به دست مؤلفه‌های حاصل در بخش چارچوب ادراکی حاکی از این است که در راستای اسلامی کردن برنامه‌های درسی در حوزه علوم انسانی باید به ارزش‌های انسانی، اخلاقی، و معنوی توجه کرده، در فرایند یاددهی - یادگیری، فراگیران را به منابع دینی - اسلامی ارجاع داد. بی تردید، آشنایی فراگیران با منابع اسلامی و دینی - به ویژه قرآن - محکم‌ترین و بهترین منبع پژوهشی، روح معنوی و الهی را در آنها به گونه‌ای تقویت می‌کند که بتوانند در راستای مراتب اولوهیت و معنویت رشد و تعالی یابند که قطعاً رشد واقعی انسان‌ها حرکت به سوی اویی (خدایی) است. رشدی که انسان را به کمال می‌رساند و سرچشمه خیر و برکت برای خود فرد و برای جامعه است. در چنین حالتی، دیگر رشته‌های تحصیلی و برنامه‌های درسی مبتنی بر معیارهای دنیوی و اقتصادی صرف، سنجش نشده، ارزش‌های واقعی برنامه‌های درسی که همان متعالی کردن انسان‌هاست، جستجو می‌شود. نتایج مطالعات حسینی، (۱۳۸۵). شریف زاده (۱۳۸۵) و هاشمی مقدم (۱۳۸۵) نشان داد که به رغم نقش و اهمیت و کاربرد رشته‌های مختلف علمی در قلمرو وسیع علوم انسانی، نحوه سازماندهی و شیوه‌های عرضه مواد و محتوای درسی در رشته‌های مزبور با مقتضیات نظام ارزشی - دینی منطبق نیست، لذا باید در برنامه‌های درسی و محتوای آنها بر اساس معیارهای فرهنگ غنی اسلام و ارزش‌هایی که بر آن مترتب است، تجدید نظر کرد. توصیه کاربردی

از آنجایی که یافته‌های هر پژوهشی می‌تواند مبنایی برای تفکر بیشتر قرار گیرد و پژوهشگران تحقیق حاضر هیچ ادعایی مبنی بر کامل بودن مدل پیشنهادی ندارند، لذا مطالعه مدل پیشنهادی پژوهش جهت تأمل و تفکر و نیز تحقیق بیشتر برای اسلامی کردن برنامه‌های درسی به همه پژوهشگران، استادان و دانشجویان توصیه می‌شود. امید است که با پژوهش‌های گسترده پیرامون اسلامی کردن برنامه‌های درسی، زمینه‌ای فراهم گردد تا گام‌های مؤثری در این راستا برداشته شود.

منابع

افروز، غلامعلی (۱۳۸۵). *علوم انسانی در بستر نگرش‌های فرهنگی ایستایی و پویایی*، اولین کنگره ملی علوم انسانی، تهران.

امانیان، حسین (۱۳۸۵). *نقش نهادهای کشور در ارتقاء علوم انسانی دانشگاه‌ها و حوزه‌ها*، اولین کنگره ملی علوم انسانی، تهران.

باقری، اشرف السادات (۱۳۸۵). *ماهیت علوم انسانی و روش شناسی آن*، اولین کنگره ملی علوم انسانی، تهران.

جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۵). *علوم انسانی و رسالت انسان (علوم انسانی و تحول فرهنگی و معنوی جامعه معاصر)*، اولین کنگره ملی علوم انسانی، تهران.

سلسبیلی، نادر (۱۳۷۵). *ارائه الگوی راهنما برای کاربرد دیدگاه‌های برنامه درسی در نظام برنامه ریزی درسی کشور (دوره نظام جدید متوسطه)*، رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم تهران.

شریف زاده، حکیمه السادات (۱۳۸۵). *بررسی منزلت علمی علوم انسانی در میان سایر رشته‌های علمی*، اولین کنگره ملی علوم انسانی، تهران.

شمشیری، بابک (۱۳۸۳). *بررسی مبانی معرفت شناسی عرفان اسلامی و اثرات آن بر آموزش و پرورش*، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.

شکاری، عباس (۱۳۸۵). *آسیب شناسی نوستالوژیک علوم انسانی: رویکردهای سخت افزاری و نرم افزاری*، اولین کنگره ملی علوم انسانی، تهران.

صادق زاده قمصری، علیرضا (۱۳۸۵). *گامی به سوی تحول در الگوی تولید علوم تربیتی: بررسی انتقادی الگوی تبیین معرفتی با تعالیم دینی*، اولین کنگره ملی علوم انسانی، تهران.

قریب، حسین (۱۳۸۵). *ضرورت‌های بنیادی و استراتژیک بومی سازی علوم انسانی در جمهوری اسلامی ایران*، اولین کنگره ملی علوم انسانی، تهران.

مستقیم، مهدیه السادات، نادری نژاد، زهره (۱۳۸۵). *آسیب شناسی در حوزه علوم انسانی از منظر عدم تطابق محتوا و ساختار با پارادایم‌ها*، اولین کنگره ملی علوم انسانی، تهران.

مسعود چلبی (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر
نی ص ۵۷.

مقدس فرد، حمید (۱۳۸۵). آسیب شناسی علوم
انسانی و رشته‌های آن، اصلاح ساختار کلاس با نظریه رشته
علوم اجتماعی، اولین کنگره ملی علوم انسانی، تهران.

میرفردی، اصغر (۱۳۸۵). آسیب شناسی و واکاوی نقش
علوم انسانی در توسعه همه جانبه کشور، اولین کنگره ملی
علوم انسانی، تهران.

هاشمی مقدم، سید شمس الدین (۱۳۸۵). رشته‌های
علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی در نظام آموزش عالی،
اولین کنگره ملی علوم انسانی، تهران.

Shomaker, B.J.E. (1991). "Education 2000
integrated Curriculum". Phi Delta Kappan, June.
79 – 797

Davis. Jr, O.L. (1997) . "The Personal Nature
of Curricular integration". Journal of Curriculum
and Super vision. Winter, 1997: 95 – 97